فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۴، صفحات ۱۶۹- ۱۹۴

ارزیابی تأثیر اجتماعی: رویکردی نوین در مدیریّت پایدار برنامه‌های توسعه

غلامحسین کرمی[۱]، کورش رضایی‌مقدّم[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۲

چکیده

موفّقیّت مداخله‌گری‌های توسعه به دلیل ماهیّت پیچیده و چندبعدی و واکنش‌های مردمی در برابر تأثیرات آن‌ها، مستلزم توجّه لازم به زمینه‌های اجتماعی آن اقدامات است. ارزیابی اثرات اجتماعی را می‌توان مدیریّت گام‌به‌گام اثرات طرح‌های توسعه برای رسیدن به پایداری -به‌ویژه در ابعاد اجتماعی- نامید. هدف آن نیز دست‌یابی به سطحی از توسعه است که هزینه‌ی مداخلات برنامه‌ریزی‌شده را بر جوامع انسانی، به حداقل و منافع را به حداکثر رساند. مشارکت مردمی جایگاهی محوری در ارزیابی اثرات اجتماعی دارد و نشان می‌دهد مردم در چه شرایطی آماده‌اند در به ثمر رسیدن طرح‌های توسعه همکاری کنند. بنابراین ارزیابی مستلزم درک دیدگاه‌های افراد متأثّر و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این مداخلات است. این تحقیق ضمن بررسی فلسفه و مبانی نظری ارزیابی تأثیرات اجتماعی، به تحلیل نقش آن در توسعه‌ی مشارکت اجتماعی و توانمندسازی مردم، استفاده از اطّلاعات و دانش کنش‌گران، گفتگو، مذاکره و شفّاف‌سازی در مدیریّت پروژه و مدیریّت تضاد میان ذی‌نفعان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد این رهیافت مشارکتی سعی در ایجاد تعامل سازنده در میان کنش‌گران نظام اجتماعی و افزایش قدرت اثرگذاری آن‌ها بر مناسبات محلّی و ملّی در برنامه‌های توسعه دارد که نتیجه‌ی شکل‌گیری چنین فضایی، توسعه‌ای انسانی و پایدارتر در اجتماع است.

واژه‌های کلیدی: طرح‌های توسعه، ارزیابی اثرات اجتماعی، مشارکت، توانمندسازی، مدیریّت تضاد.

[۱] دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی دانشگاه شیراز gh.karami@shirazu.ac.ir

[۲] دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسؤول) rezaei@shirazu.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

مقدّمه

توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی نتیجه‌ی اقدامات توسعه‌ای شامل سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است. طرح توسعه به معنی سرمایه‌گذاری، ایجاد ساختار و مجموعه فعّالیّت‌های فیزیکی، نرم‌افزاری، زیربنایی یا خدماتی است که با اهدافی مشخّص طرّاحی و در زمان و مکانی خاص اجرا می‌شود (شریف‌زادگان، ۱۳۸۲). این طرح‌ها که مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده‌ی نهادهای عمومی و خصوصی در محیط طبیعی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند، ابزاری برای رشد و توسعه‌ی جوامع هستند و قصد دارند رفاه مادّی و معنوی انسان‌ها را ارتقا بخشند (یانگ[1]، ۲۰۰۵).

در کنار منافع فراوان این طرح‌ها، نمی‌توان از آثار ناخواسته‌ی اجتماعی آن‌ها چشم‌پوشی کرد؛ به‌گونه‌ای که برخی از آن‌ها به اهداف مورد انتظار دست نمی‌یابند و در عوض آثار اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نامطلوبی به جا می‌گذارند و موجب نارضایتی عمومی می‌شوند (احمدوند و کرمی[2]، ۲۰۰۹). از این رو، پس از گزارش کمیسیون محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ تحت‌عنوان «آینده‌ی مشترک ما»[3] توجّه‌ها به هماهنگی میان توسعه‌ی اقتصادی و حفاظت محیط زیست معطوف شد و با تأکید بر جامع‌نگری در توسعه، مفهوم توسعه‌ی پایدار را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد که تلاش‌ها برای تبیین الگوها و الزامات رسیدن به چنین توسعه‌ای هم‌چنان ادامه دارد (نایکویست و نیلسون[4]، ۲۰۰۹).

امروزه یکی از چالش‌ها و مشکلات برنامه‌ریزی‌های توسعه در بسیاری از کشورها، ناتوانی در پیش‌بینی و کاهش پیامدهای منفی سیاست‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های توسعه است (ممتاز[5]، ۲۰۰۵). بنابراین توانا شدن نظام مدیریّت و برنامه‌ریزی هر کشور در «ارزیابی اثرات»، عامل مهمّی در تحقّق توسعه‌ی پایدار خواهد بود (احمدوند و همکاران، ۲۰۰۹). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی در سطح کلان، مهم‌ترین روش و ابزار معرّفی، شناسایی و پیش‌بینی پیامدهای برنامه‌های توسعه و رویکردی نظام‌مند برای ارزیابی میزان انطباق آن‌ها با اصول حفاظت محیط زیست و توسعه‌ی انسانی است. در سطح خرد نیز مقصود از ارزیابی اثرات، آن است که مشخّص شود آیا یک پروژه بر افراد، خانوارها و نهادها اثرات مطلوب بر جا گذاشته است و آیا اثرات موجود را می‌توان به

[1] Yang
[2] Ahmadvand and Karami
[3] Our Common Future
[4] Nykvist and Nilsson
[5] Momtaz

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

مداخله‌گری پروژه نسبت داد؟ هم‌چنین ارزیابی آثار می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ی برنامه‌ها را بررسی و گزیدارهایی برای کاهش آن‌ها ارائه کند (کرمی و رضایی‌مقدّم[1]، ۲۰۰۵).

روش‌شناسی پژوهش

این نوشتار که تحقیقی کیفی به‌شمار می‌آید، از لحاظ هدفِ پژوهش، کاربردی و از نوع توصیفی- تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطّلاعات مورد نیاز، از روش اَسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده و از طریق مراجعه به کتب، مجلّات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی و پایگاه‌های علمی، منابع و اطّلاعات مورد نیاز استخراج گردیده است. پس از بررسی دقیق همه‌ی منابع شناسایی‌شده به لحاظ محتوایی و روش‌شناختی، اطّلاعات حاصل از مطالعات، سازمان‌دهی و دسته‌بندی موضوعی شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برای تحلیل مسائل و تشریح و تبیین اهمّیّت مسأله نیز از رویکردی هدفمند استفاده شده است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی مفهوم و نقش ارزیابی تأثیرات اجتماعی **(اِتا)** به‌عنوان نگرش و رهیافتی نوین در مدیریّت سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است و بر همین اساس می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- اِتا از چه بنیان نظری برخوردار بوده و ویژگی‌های ممتاز آن کدام است؟
- اِتا چه اهدافی را دنبال می‌کند و نتایج اجرای آن در مدیریّت طرح‌های توسعه‌ای چیست؟
- مدل مفهومی اِتا در طرح‌های توسعه به‌ویژه مدیریّت منابع طبیعی، کدام است؟

تعاریف و مفهوم ارزیابی اثرات اجتماعی

ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در بسیاری از کشورها به یک رویّه و رویکرد در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملّی تبدیل شده و به‌عنوان ابزار مدیریّت محیط زیست در سطح وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته است، امّا این رویکرد بیش‌تر بر اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی متمرکز است و به اثرات اجتماعی و فرهنگی مانند کیفیّت زندگی و عدالت اجتماعی کم‌تر توجّه می‌کند (ونکلی[2]، ۲۰۰۴). ارزیابی اثرات اجتماعی که البتّه سابقه‌ی کم‌تری نسبت به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشورها دارد، می‌کوشد به این پرسش راهبردی پاسخ دهد که توسعه تا چه اندازه با جامعه سازگار، دادگرانه و پایدار است و چگونه برای بازسازی معیشت و بهبود رفاه

[1] Karami and Rezaei-Moghaddam
[2] Vanclay

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

اجتماعی طیف گسترده‌ای از مردم تلاش می‌کند؟ بنابراین در اِتا بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی از اولویّت بیش‌تری برخوردار است و از همین رو، به اصول توسعه‌ی پایدار و یکپارچه نزدیک‌تر است (ونکلی، ۲۰۰۶).

در یک تعریف جامع، اِتا پژوهشی بین‌رشته‌ای با محوریّت علوم اجتماعی است که می‌کوشد با سهیم شدن در همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی نتایج اقدامات توسعه‌ای شامل سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، به شناخت معتبری از تغییرات ناشی از این اقدامات در محیط طبیعی و اجتماعی دست یابد و پیش از اجرا شدن اقدامات توسعه‌ای، تأثیرات اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها را برآورد کند. هم‌چنین اِتا می‌کوشد شرایط اجتماعی موفّقیّت اقدامات توسعه‌ای را مطالعه کند؛ تأثیرات منفی این اقدامات را پیش‌بینی نماید و راهکارهایی برای حذف یا کاستن از تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات مثبت ارائه دهد (فاضلی، ۱۳۸۹). بنابراین منطبق با این تعریف و از نظر زمان‌بندی اقدام، اِتا با سه رویکرد زیر قابل اجراست:

- آینده‌نگر: ارزیابی اثرات برنامه‌ی پیشنهاد شده قبل از اجرای آن است. هدف این مرحله ایجاد فرصت مناسب برای تغییر یا اصلاح پروژه به نحوی است که آثار مثبت آن افزایش و آثار منفی‌اش کاهش یابد.
- هم‌زمان: در طول اجرای طرح اقدام می‌شود و ممکن است برای مدّت طولانی –مثلاً تا چند سال– ادامه یابد و بر تغییرات و عوامل تعیین‌کننده‌ی طرح توسعه و وضعیّت پیشرفت آن نظارت کند. در این حالت هدف نخست، شناسایی تغییرات، هم‌زمان با وقوع آن‌هاست و هدف دوم، ارزیابی میزان دقّت پیش‌بینی‌های قبلی بر جامعه‌ی میزبان است. در این حالت، الهام‌بخشی فرایند ارزیابی برای آیندگان، بسیار اهمّیّت دارد.
- گذشته‌نگر: هنگامی انجام می‌شود که اجرای طرح به پایان رسیده باشد. هدف این رویکرد، شناسایی اثرات واقعی طرح بر اقتصاد و اجتماع پس از اجراست و این امکان را برای طرح‌های مشابه در آینده فراهم می‌کند تا از تجارب و آموزه‌های آن آگاه شوند. در این رویکرد، مشکلاتی در اندازه‌گیری واقعی آثار یک برنامه و طرّاحی شاخص‌های مورد نیاز وجود دارد. هم‌چنین نسبت دادن تغییر در یک شاخص به برنامه یا سیاست اجرا شده، نیازمند روش‌شناسی دقیق و معتبر است (اسکات ساموئل و همکاران[1]، ۲۰۰۱).

[1] Scott-Samuel et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

با وجود توسعه‌ی بنیان‌های نظری اِتا، پژوهشگران در این موضوع که هدف اصلی این رهیافت، پیش‌بینی اثرات در آینده یا زمینه‌سازی و تسهیل مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است، اختلاف نظر دارند (اسلین و پرلینس[1]، ۲۰۰۹). برای فائق آمدن بر این اختلاف، سعی می‌شود هم‌زمان به آگاهی، مشارکت و نیاز جامعه‌ی میزبان و نیز گزیدارهای کاهش اثرات ناخواسته توجّه شود. بنابراین در اِتا گروه‌های متأثّر شناسایی می‌شوند و فرصت می‌یابند تا در برنامه‌ریزی برای آینده‌ی خود مشارکت کنند. با توجّه به گستردگی دامنه‌ی فرایند اِتا، ویژگی‌های زیر را می‌توان برای آن برشمرد (سارینن و کامپولینن[2]، ۲۰۰۶):

۱. موضوعی مرتبط با مقوله‌ی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است.
۲. در طول برنامه‌ریزی به‌طور گسترده به توسعه‌ی مدیریّت دانش‌بنیان[3] توجّه می‌کند.
۳. ابزاری برای طرّاحی گزیدارهای توسعه و تعیین محدوده‌ی نتایج مرتبط با هر کدام از آن‌هاست.
۴. ابزاری برای کاهش، ترمیم، سازگاری و جبران اثرات زیان‌آور راهبردهای مختلف توسعه است.

مبانی نظری ارزیابی اثرات اجتماعی

غلبه‌ی برداشت اقتصادی در ارزیابی طرح‌های توسعه، اولویّت یافتن صداهای قدرتمندتر در جریان سیاست‌گذاری‌ها و بی‌توجّهی به گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، درک ناقص از روابط متقابل و سیستمی میان موضوعات انسانی، کالبدی و زیست‌محیطی و سرانجام هزینه‌های تحمیل‌شده به جوامع به سبب این بی‌توجّهی‌ها که در نهایت پایداری توسعه و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، موجب ظهور پارادایم ارزیابی اثرات اجتماعی شد (فاضلی، ۱۳۸۹). نخستین اصل دستور کار ۲۱ نیز با عنوان «نخست به مردم توجّه نمایید»[4]، ابعاد اجتماعی توسعه را موضوعی الزامی و غیرقابل مسامحه می‌داند و به دولت‌ها گوشزد می‌کند که برنامه‌های توسعه را مطابق با معیارهای این پارادایم، طرّاحی کنند (پیسانی و ساندام[5]، ۲۰۰۶).

اِتا، ارزیابی اثرات توسعه بر مردم است و نظام هستی‌شناسی و جهان‌بینی این رهیافت، انسان را اشرف مخلوقات و مرکز ثقل موجودات[6] هستی می‌داند. بنابراین برآیند ارزیابی اثرات، باید به

[1] Asselin and Parlins
[2] Sairinen and Kumpulainen
[3] Based knowledge
[4] Putting people first
[5] Pisani and sandham
[6] Anthropocentric

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

حداقل رساندن زیان‌های وارد شده بر محیط زندگی انسان‌ها و توجّه ویژه به تعالی و پیشرفت مادّی و معنوی جوامع انسانی در مداخلات توسعه باشد (ممتاز، ۲۰۰۵). اِتا به برنامه‌ریزان برای تحقّق جامعه‌ی آگاه، تقویت نهادهای مدنی پرسشگر و مسؤولیّت‌پذیر و تشکیل دولت مقتدر و پاسخ‌گو کمک می‌کند و نظام‌های برنامه‌ریزی را از رویکردهای درمان‌گرا به پیشگیری‌محور سوق می‌دهد (لویزه، ۱۳۸۱). بنابراین ایده و دغدغه‌ی اصلی این رهیافت، مردمی هستند که کم‌تر از منافع توسعه برخوردار می‌شوند و به سبب محدودیّت‌های اجتماعی، صدای رسایی برای رساندن خواسته‌های خود به برنامه‌ریزان ندارند. در نتیجه، این پارادایم بر ارزش‌های زیر استوار است:

۱. یک دسته حقوق انسانی زیربنایی در میان همه‌ی فرهنگ‌ها و نیز در میان زنان و مردان مشترک است.

۲. این حقوق انسانی باید با حاکمیّت قانون و به صورت برابر و منصفانه محافظت شود.

۳. انسان‌ها حق دارند در محیطی زندگی و کار کنند که سلامت و کیفیّت زندگی مناسب را برای آن‌ها به ارمغان آورد و موجب رشد و ارتقای توانمندی‌های اجتماعی آنان شود.

۴. ابعاد اجتماعی محیط زیست به‌ویژه روابط اجتماعی، رهایی از ترس و وابستگی و داشتن امنیّت و سلامت، از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان‌هاست.

۵. انسان‌ها حق دارند در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مداخلات برنامه‌ریزی‌شده که زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، مشارکت کنند.

۶. دانش و تجربه‌ی محلّی، نقش مهمّی در بهبود نتایج و کاهش اثرات نامطلوب مداخله‌گری‌های توسعه دارند (ونکلی، ۲۰۰۳).

اِتا هم‌چنین فرصت تلفیق نظرات و تجارب ذی‌نفعان[1] درونی و خبرگان محلّی (جامعه‌ی میزبان پروژه) و متخصّصان بیرونی را فراهم می‌آورد (اسلین و پرلینس، ۲۰۰۹). هم‌چنین علاوه بر ایجاد ارتباط بین درونی‌ها و بیرونی‌ها، می‌کوشد میان کارشناسان فنّی و متخصّصان مطالعات اجتماعی با هدف جهت‌گیری مطالعات ارزیابی اثرات به سوی مبانی و روش‌شناسی‌های اجتماعی و برای دسترسی به اهداف زیر، ارتباط نزدیک‌تری برقرار کند:

۱. ذی‌نفعان کلیدی پروژه‌ها شناخته شوند و چارچوب مشارکت آنان در طرّاحی، اجرا و ارزیابی تدوین گردد.

[1] Stakeholders

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

۲. اطمینان حاصل شود که اهداف و انگیزه‌های معطوف به تغییر، برای مردم قابل پذیرش است و تفاوت‌های اجتماعی در طرّاحی پروژه لحاظ شده است.
۳. پیامدهای اجتماعی پروژه‌ها را ارزیابی کند و راهکارهای حل یا کاهش اثرات معکوس و منفی را نشان دهد.
۴. ظرفیّت و بستر حلّ تضادها در ارائه‌ی خدمات و اجرای اقدامات را فراهم کند (ونکلی، ۲۰۰۳).
بنابراین هدف اِتا توانا ساختن تصمیم‌گیران یک برنامه برای اتّخاذ تصمیمات مسؤلانه‌ی اجتماعی از طریق درگیر کردن گروه‌های تحت‌تأثیر پروژه است. دیدگاه‌ها، ادراک‌ها و قضاوت‌های گروه‌های متأثّر باید با حسن نیّت جلب شود و در فرایند ارزیابی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر به صورت جامع و تلفیقی بررسی گردد.

اهداف و نتایج ارزیابی اثرات اجتماعی

توسعه‌ی مشارکت و توانمندسازی جامعه

مشارکت نقطه‌ی مشترک برنامه‌ریزی‌های مشارکتی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی است. بنابراین شاخص موفّقیّت و یکی از کارکردهای اِتا، آماده‌سازی گروه‌های هدف برنامه‌ی توسعه برای مشارکت در همه‌ی مراحل آن و تسهیل روابط ذی‌نفعان به‌ویژه کارشناسان و مردم است (نایکویست و نیلسون، ۲۰۰۹). از این طریق تلاش می‌شود گروه‌های مرتبط با طرح و پروژه‌های توسعه، به تفکّر درباره‌ی اهداف و اولویّت‌ها و ترسیم شیوه‌های عمل، ترغیب و تشویق شوند و با افزایش آگاهی و مهارت‌های اجتماعی آنان، فرایند پذیرش برنامه‌های جدید به تناسب توسعه‌ی منطقه‌ای و ملّی تسهیل گردد (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶). مشارکت به بسیاری از سؤالات درباره‌ی وسعت، اعتبار، دانش، دیدگاه و حقوق جوامع محلّی پاسخ می‌دهد و نیز میزان استقلال آن‌ها را از تأثیر اقدامات عوامل بیرونی و مجریان مداخله‌گری‌ها تعیین می‌کند (سارینن و کامپولینن، ۲۰۰۶).

در اِتا شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه بسیار مهم است؛ زیرا آثار منفی، اثر شدیدتری بر این دسته از افراد می‌گذارد. هدف از مشارکت دادن این گروه‌ها، دریافت اطّلاعات مفید درباره‌ی ساختار و شرایط اجتماعی آنان و همکاری درون‌گروهی برای اتّخاذ تدابیر اجتماعی مناسب است. توجّه به ارزش‌ها و شرایط اجتماعی چنین افرادی در فرایند تصمیم‌گیری، به ترویج روحیّه‌ی پاسخ‌گویی، اثربخشی، برابری و توانمندسازی کمک می‌کند (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

مشارکت در اِتا، کلید اعتبار ارزیابی است و ارزیابی بدون آن در معنا و محتوا دچار تزلزل خواهد شد. بنابراین ارزش مشارکت عمومی در ارزیابی، کم‌تر از خودِ ارزیابی نیست. هم‌چنین از هم‌اندیشی، گفتگو و مباحث آزاد حمایت می‌کند و این واقعیّت را که ذی‌نفعان مختلف به اثرات یک پروژه از ابعاد متنوّع و متفاوت می‌پردازند، مورد توجّه قرار می‌دهد (لوکی و همکاران[1]، ۲۰۰۹)؛ زیرا مفهوم و اندازه‌ی اثرات را از زاویه‌ی دید افراد مستقر در محل بازتاب داده، اجازه می‌دهد درک و فهم نسبتاً یکسانی از موضوع برای افراد درگیر در مسأله ایجاد شود. به‌علاوه، ضمن مشخّص کردن میزان انطباق و سازگاری واکنش‌ها نسبت به اثرات گذشته، میزان پذیرش تغییرات آتی را نیز روشن می‌کند.

برای فراهم کردن بسترهای مشارکت مؤثّر مردم، رهیافت‌های مشارکتی مختلف و متنوّعی مانند گفتمان تعاون‌گونه[2]، کمیته‌ی مشورتی[3] و جامعه‌ی تعاملی[4] در اِتا مطرح است (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶). در مجموع، مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از مؤلّفه‌های مهم در ارزیابی اثرات پروژه‌های توسعه در بسیاری از مؤسّسات بین‌المللی نهادینه شده است. این موضوع نتیجه‌ی اعتراض شهروندانی بوده که نتایج منفی پروژه‌ها بر آن‌ها حادث گردیده است. از این رو بیش‌تر کشورها در ارزیابی اثرات توسعه، مشارکت مردمی را به‌عنوان فرایند همکاری و تعامل میان دو تیم ارزیابی‌کننده و مردم میزبان پروژه، تعریف می‌کنند (ویسی و لیاقتی، ۱۳۸۷).

استفاده از اطّلاعات و دانش کنش‌گران

اگرچه در آغاز فرایند ارزیابی اثرات، توجّه اندیشمندانه به دیدگاه‌های گزیدار و پیش‌بینی و آینده‌نگری در زمینه‌ی اثرات احتمالی پروژه‌های توسعه، نیازمند حضور داوران و برنامه‌ریزانی مطّلع و بصیر است و بدون حضور چنین افرادی، سودمندی پیوست و الحاق ادراک ذی‌نفعان و اعضای نظام اجتماعی به فرایند ارزیابی مورد سؤال و ابهام است، امّا در مجموع تحکیم بنیان‌های فرایند ارزیابی و قضاوت درست و آگاهانه، نیازمند تسهیم دانش میان جامعه‌ی محلّی و برنامه‌ریزان و مبادله‌ی اطّلاعات به روش مناظره‌ی منطقی است تا دیدگاه‌ها و گزیدارهای مبتنی بر تفکّر و تأمّل، به جای دیدگاه‌های خلق‌الساعه و بی‌تأمّل و عاری از اطّلاعات درست، وزن و رتبه‌ی واقعی

[1] Lockie et al
[2] Cooperative discourse
[3] Advisory committee
[4] Interactive community

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

خود را پیدا کنند (بکر و همکاران[1]، ۲۰۰۳). پیوند دانش مردم و سیاست‌گذاری‌ها، توزیع اطّلاعات در میان مخاطبان و سهیم شدن همه‌ی ذی‌نفعان در مبادله‌ی اطّلاعات، موجب ایجاد شور و اشتیاق در جامعه به دلیل توجّه به آن‌ها و افزایش توان اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها می‌شود و از ابعاد زیر دارای اهمّیّت است:

۱. فراهم کردن فرصت برای اطّلاع‌یابی از آگاهی و یافته‌های اعضای اجتماع مرتبط با پروژه.

۲. مبادله و تسهیم دانش و دیدگاه‌های هریک از اعضا و ارائه‌ی طیف وسیعی از راه حل‌ها.

۳. ارزیابی از روند تغییرات و شرایط و بسترهای اجتماعی پروژه.

۴. استفاده از قضاوت اعضا در ارزیابی اثرات گزیدارهای مورد بررسی.

۵. دریافت ایده‌های اعضا درباره‌ی توانمندی‌های هریک از راهبردها در کاهش اثرات منفی اجتماعی (بکر و همکاران، ۲۰۰۳).

توجّه به دانش بومی و حضور ذی‌نفعان و مشارکت آنان برای ارائه‌ی اطّلاعات خود در برنامه‌های ارزیابی اثرات، همیشه در یک سطح نیست و در جوامع مختلف متناسب با جایگاه دیدگاه‌های مشارکتی در برنامه‌های توسعه، در یکی از سطوح زیر شکل می‌گیرد:

۱. تدارک‌دهنده‌ی اطّلاعات: پر کردن شکاف‌های اطّلاعاتی، استخراج اطّلاعات قابل بحث و منازعه، افزایش توانایی حلّ مسأله و یادگیری اجتماعی.

۲. سهیم شدن عموم در تصمیم‌گیری، فراتر از ارائه‌ی اطّلاعات به تصمیم‌گیران: بازتاب‌دهنده‌ی اصول اخلاقی و آزادی‌خواهی، پرسش‌محوری، ظرفیّت‌سازی و تمرین مردم‌سالاری، نمایش دیدگاه‌های متکثّر و علایق متفاوت و حلّ تعارض و تضاد.

۳. تغییر و اصلاح ساختار توزیع قدرت و تصمیم‌گیری: ایجاد تعادل و انتقال قدرت، پیکربندی مجدّد فرایندهای تصمیم‌گیری، توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای، جابه‌جایی موقعیّت و محلّ استقرار تصمیم‌گیری، مبارزه با انحصارگرایی و تحکیم جایگاه مؤسّسات، گروه‌ها و مردم بومی ضعیف در ساختار قدرت (اُفیرچیلایت[2]، ۲۰۱۰).

[1] Backer et al
[2] O'faircheallaigh

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

مذاکره و شفّاف‌سازی در مدیریّت توسعه

بسیاری از مسائل مرتبط با ارزیابی اجتماعی، مشکلات فراوانی برای مردم بومی به‌وجود می‌آورند. یکی از این مسائل، تمرکز ارزیابی اجتماعی بر تأثیرات کوتاه‌مدّت و نادیده گرفتن بسیاری از تأثیرات میان‌مدّت و بلندمدّت پروژه بر مردم است. دومین مسأله این است که ارزیابی اجتماعی به این فرض تمایل دارد که تأثیرات مثبت و منفی را باید قبل از روی دادن، پیش‌بینی و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد. امّا تنها یک رویکرد پیش‌بینی‌کننده کافی نیست. یک پروژه ممکن است دستاوردهایی داشته باشد که در ارزیابی اجتماعی آینده‌نگر، قابل پیش‌بینی نیستند. سومین مسأله این است که در ارزیابی اجتماعی اصولاً مبنای کاهش تأثیرات منفی پروژه در نظر گرفته می‌شود، حال آن که مردم بومی خواهان سهیم بودن در فواید و تأثیرات مثبت پروژه‌های توسعه نیز هستند (طالبیان و عمرانی‌مجد، ۱۳۸۶).

با وجود این، اگر شهروندان پیش از اجرای پروژه از نتایج و پیامدهای احتمالی آن آگاه باشند، علاوه بر استفاده‌ی مناسب از پیامدهای مثبت، پذیرش و تحمّل پیامدهای منفی راحت‌تر خواهد بود. در واقع، شناسایی ذی‌نفعان و هم‌فکری و هم‌افزایی با آنان، موجب کاهش اصطکاک و تضاد میان مشارکت‌کنندگان و مجریان طرح می‌شود و در مقابل، کارآمدی آن را ارتقا می‌بخشد (اشرفی و رشیدی، ۱۳۹۲). بنابراین اِتا نقش مهمّی در شفّاف‌سازی تصمیم‌گیری‌ها دارد و هدف آن ارتقای شناخت و ادراک عمومی از اثرات پروژه از طریق آموزش و گفتگو است. از این نظر، مهم‌ترین وظیفه‌ی اِتا مدیریّت تغییرات در اجتماع است و برخی متخصّصان به جای ارزیابی اثرات اجتماعی، بر ارزیابی زمینه‌های اجتماعی تأکید دارند (پژوهشکده‌ی حمل و نقل، ۱۳۸۲). اِتا از طریق هم‌فکری با مخاطبان و تحلیل اثرات بالقوّه‌ی طرح‌های توسعه، آگاهی آنان را در ابتدای پروژه نسبت به موضوعات مستعدّ ایجاد تعارض وسعت می‌بخشد. در بسیاری از موارد، طرّاحی و تمرین روابط اجتماعی به‌عنوان سازوکار توانمند کردن مردم از طریق کنترل نتایج تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزان و حفظ حقوق و مالکیّت فردی، مورد توجّه است تا شرایط حضور مؤثّر و قدرتمند مخاطبان محلّی تسهیل شود. اِتا مردم را از همه‌ی ابعاد و جزئیّات پروژه‌ی مورد هدف آگاه می‌کند و انواع اثرات مثبت و منفی را نیز صادقانه برای آنان بازگو می‌نماید. از این منظر، فراهم آوردن شرایط مذاکره و هم‌فکری اجتماعی، فعّالیّتی بسیار مهم و مداوم در اِتا محسوب می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

مدیریّت تضاد میان ذی‌نفعان

ذی‌نفع به شخصی حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که بر تصمیمات و عملکرد یک سازمان یا مجموعه اثر می‌گذارد و از آن اثر می‌پذیرد و منافع و مضرّات او در ارتباط با منافع و مضرّات آن سازمان است (صیّاد طلایی و حسن‌پور، ۱۳۸۵). گروه‌های ذی‌نفع با اهدافی متفاوت و در مواردی متضاد، از یک فرایند یا برنامه‌ی مداخله‌گری اثر می‌پذیرند. بنابراین هر تغییر مهم و ماندگار در زندگی مردم مستلزم توجّه به اولویّت‌ها و قضاوت‌های آن‌هاست. اگر تلقّی‌ها و دیدگاه‌های کسانی که قرار است از برنامه‌ی مداخله نفع برند، تفاوتی فاحش با کارکنان پروژه یا ارزیاب‌های بیرونی داشته باشد، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از موفّقیّت آن طرح‌ها داشت (روچ، ۱۳۸۷).

بسیاری از مشکلات و موانع در مسیر اجرای پروژه‌های توسعه، به دلیل قضاوت‌های سطحی درباره‌ی گروه‌های ذی‌نفع در پروژه و تعامل نامناسب با آن‌ها و انتظاراتشان است. این نوع قضاوت‌ها موجب نادیده گرفتن محدودیّت‌های اجتماعی و نگرش‌های جامعه‌ی محلّی و توجّه بیش‌تر به گروه‌های ذی‌نفوذ و در نتیجه بروز مشکلات فراوان و تحمیل خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی به پروژه‌های ملّی و منطقه‌ای می‌شود (طالبیان و عمرانی مجد، ۱۳۸۶). از این زاویه، ارزیابی تأثیر که بر اندیشه‌ها و مفاهیم تاریخی و انسان‌شناسی بنا شده است، از میان دیدگاه‌های متضاد و تفسیرهای متفاوت درباره‌ی آثار پروژه، علایق مشترک را مورد شناسایی و تأکید قرار می‌دهد (روچ، ۱۳۸۷).

مسأله‌ی قابل توجّه آن است که گروه‌های ذی‌نفع با منزلت، پایگاه، امکانات و قدرت متفاوت، به فرایند مذاکره وارد می‌شوند و ممکن است دیدگاه برخی گروه‌ها درباره‌ی نتایج پروژه بر نظرات بقیّه غالب شود. از این رو تضادهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به‌طور مکرّر چالش‌های مختلفی را در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤسّسات متولّی توسعه به‌وجود می‌آورد. رابطه‌ی پیچیده و چندجانبه میان اثرات و تضادها، طیف وسیعی از مخاطبان و ذی‌نفعان داخلی و خارجی را در برمی‌گیرد (هارو و همکاران[1]، ۲۰۰۵).

در اِتا، تضاد[2] عبارت است از واگرایی و انشعاب در علایق و اعتقادات افراد یا گروه‌های مختلف که موجب می‌شود همه‌ی ذی‌نفعان نتوانند به‌طور هم‌زمان به همه‌ی خواسته‌های خود دست یابند (بارو[3]، ۲۰۱۰). به‌طور کلّی درک دقیق ماهیّت خواسته‌ها و ادّعاهای ذی‌نفعان و جلب

[1] Haro et al
[2] Conflict
[3] Barrow

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

رضایت آن‌ها، برای مدیران مسأله‌ای دشوار است. اگر خواسته‌های ذی‌نفعان مشترک و در یک جهت باشد، مدیریّت پروژه با تصمیمات و اقدامات ساده‌تری می‌تواند منافع گروه‌های ذی‌نفع را تأمین کند، امّا چنان‌چه منافع آن‌ها متعارض باشد (که در بیش‌تر مواقع نیز چنین است)، فضای تصمیم‌گیری و مدیریّت تضاد پیچیده خواهد بود (صیّاد طلایی و حسن‌پور، ۱۳۸۵).

برنامه‌ریزان و مجریانی که مذاکره و گفتگو را به‌عنوان گزیداری برای کاهش تعارض‌ها و تنش‌های اجتماعیِ حاصل از مداخله‌گری برمی‌گزینند، باید به این سؤالات که «واقعیّت چه کسی اهمّیّت دارد؟» و «چه کسانی به واقعیّت اهمّیّت می‌دهند؟» پاسخ دهند. مدیریّت درست این فرایند موجب می‌شود فرایند ارزیابی، بصیرت‌ها و آموزه‌های نوین و بدیعی را به جامعه ارائه کند (روچ، ۱۳۸۷).

تانگ و همکاران[1] (۲۰۰۳) در پژوهشی به تشریح فرایند اجرای پروژه‌ی بزرگ توسعه‌ی شهر گوانگجوی کره جنوبی پرداختند. اجرای این طرح مستلزم تصرّف اراضی برخی روستاهای محدوده‌ی طرح و جابه‌جایی و اسکان مجدّد روستانشینان بوده است. این مطالعه نشان داده اِتا با راهکارهای زیر، موجب مدیریّت تضادهای موجود و کاهش اثرات منفی شده است:

۱. اطّلاع‌رسانی مناسب و مذاکره با رهبران روستایی به‌عنوان گروه‌های اصلی و محوری.

۲. ایجاد شفّافیّت در فعّالیّت‌ها و سازگاری، توافق و ثبات در تصمیم‌گیری‌ها میان مردم و برنامه‌ریزان.

۳. اعلام دقیق سیاست‌ها و مقرّرات و مشخّص کردن وضعیّت مالکیّت و حقوق فعلی مردم محلّی و انتظارات آنان از پروژه.

۴. حذف و برطرف کردن حاشیه‌سازی ناروای رسانه‌های گروهی و نفوذ بی‌مورد وکلای دادگستری از طریق مذاکره با افراد مخالف و تشریح برنامه‌ها.

۵. فداکاری و هم‌بستگی رهبران محلّی و مدیران و کارشناسان پروژه.

بنابراین احترام به درایت و قضاوت مردم عادی از عناصر حسّاس فرایندهای ارزیابی تأثیر پروژه به‌شمار می‌آید؛ هرچند نحوه‌ی وارد کردن دیدگاه‌ها و عقاید بعضاً متضاد ذی‌نفعان، چالشی مهم فرا روی سازمان‌های متولّی ارزیابی اثرات است (روچ، ۱۳۸۷). در واقع، رهیافت میانجی‌گرای اِتا با مدیریّت و تلفیق مجموعه‌ای از فعّالیّت‌ها که هدف آن‌ها وساطت و میانجی‌گری بین کنش‌گران است، ضمن مذاکره با ذی‌نفعان متعارض و ارزیابی موشکافانه‌ی اثرات، به رفع یا کاهش

[1] Tang et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

اثرات بالقوّه‌ی زیست‌محیطی و اجتماعی می‌پردازد. فرایند همگرایی و تعامل در ارزیابی اثرات، زمینه‌ی تحکیم سرمایه‌های اجتماعی و انسجام شبکه‌ی روابط و کنش‌های جمعی را فراهم می‌آورد و اهمّیّت این ادّعا را که هدف اِتا چیزی جز تقویت پایه‌های مردم‌سالاری و آزادی‌های مدنی نیست، بیش از پیش روشن می‌سازد.

مدیریّت منابع طبیعی و میانجی‌گری زیست‌محیطی

پایداری پروژه‌های توسعه مستلزم همکاری مردم محلّی به‌ویژه جامعه‌ی روستایی در واگذاری زمین، همکاری نیروی کار محلّی، اعتماد مردم به اقدامات توسعه‌ای، تشکیل سازمان‌های محلّی برای مدیریّت وضعیّت جدید و آماده‌سازی منطقه برای ایجاد تحوّل در ساختار اقتصادی و اجتماعی و پذیرش الگوهای جدید کار و زندگی است. مردم به اندازه‌ای با پروژه‌های توسعه همکاری می‌کنند که منافع ناشی از این پروژه‌ها برای آنان قابل لمس و معنادار باشد و چشم‌انداز روشنی از پایداری منافع طرح‌ها وجود داشته باشد (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷).

به‌طور کلّی ساکنان نواحی روستایی به‌ویژه زارعان به سبب آن که کم‌تر در معرض آلودگی‌های زیست‌محیطی قرار دارند و محیط زیست را مانند منبعی اقتصادی برای استفاده در نظر می‌گیرند، به بهره‌برداری از محیط زیست بیش‌تر از حفاظت آن، تمایل دارند (فاستر و مکبث، ۱۳۸۱). هم‌چنین کشاورزان و دامداران معمولاً از برخی تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌ی مدیریّت محیط زیست دچار خسارت می‌شوند و نسبت به شیوه‌ی مدیریّت آن انتقاد می‌کنند و گروهی از بهره‌برداران نیز در برابر حضور بیرونی‌ها از جمله کارشناسان و مجریان دولتی در برنامه‌های توسعه، موضع‌گیری و مقاومت می‌نمایند (دولیسکا و همکاران[1]، ۲۰۰۷).

اثرات نامطلوب اجتماعی پروژه‌های توسعه و چالش‌های عمده در سطوح ملّی و بین‌المللی، بیانگر لزوم توجّه فزاینده به جنبه‌های اجتماعی توسعه است (احمدوند و همکاران، ۲۰۰۹). در حوزه‌ی محیط زیست نیز بی‌توجّهی به مطالعات جامعه‌شناختی و درک ناقص از ابعاد اجتماعی مدیریّت منابع طبیعی، امکان حفاظت و توسعه‌ی پایدار زیست‌بوم‌های طبیعی را محدود ساخته است. به عقیده‌ی کارشناسان، مدیریّت پایدار منابع طبیعی بدون حمایت از ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن هم‌چنان چالش حال و آینده‌ی تصمیم‌گیران به‌شمار می‌آید و مدیریّت اجتماعی راهکار برون‌رفت از این تهدید است. افزون بر این، نگرش درباره‌ی محیط زیست در میان کشاورزان با

[1] Dolisca et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

بسترهای فرهنگی، اقتصادی و محیطی مختلف و تا حدودی متفاوت شکل می‌گیرد (دنگ و همکاران[1]، ۲۰۰۹).

بر همین اساس به اعتقاد سازمان خواروبار کشاورزی ملل متّحد، چنان‌چه راه حل‌های فنّی به دلایل اجتماعی امکان اجرا نداشته باشند، راهکار محسوب نمی‌شوند و از لیست گزیدارهای قابل بررسی حذف می‌گردند؛ زیرا موانع رسیدن به نظام‌های پایدار را بیش از مسائل بیولوژیک و فناوری باید در حوزه‌ی اجتماعی یا سیاسی جستجو کرد (فائو، ۱۳۸۷). تداوم روند تخریب جنگل‌ها و مراتع در برخی کشورهای در حال توسعه نیز بازبینی نظام کنونی مدیریّت محیط زیست را برای توسعه‌ی پایدار ضروری ساخته است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱). برای جبران این نقیصه، الگوی جنگل‌داری اجتماعی وارد ادبیّات توسعه‌ی روستایی و مدیریّت منابع طبیعی شده است (ساندرلین[2]، ۲۰۰۶). در این الگو، استفاده‌ی چندکارکردی و توجّه به ارزش‌های غیرتجاری منابع طبیعی، اهداف چندمنظوره و ابعاد اجتماعی به‌عنوان راهبرد مدیریّت سازگار منابع طبیعی و نیز توجّه به نیازها و تضمین معیشت پایدار جامعه‌ی محلّی، مدّ نظر است (اسلی[3]، ۲۰۰۷)؛ زیرا مدیریّت پایدار منابع طبیعی پیش از ابعاد فنّی، نیازمند فعّالیّت‌های درون‌زا و اجتماع‌محور، طرّاحی نهادی و ارزیابی سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی است (پلومر و فیتزگیبن[4]، ۲۰۰۶).

بنابراین به سبب فضا و شرایط خاصّ مدیریّت منابع طبیعی، تصمیم‌گیری بر روی مسائل زیست‌محیطی به‌ویژه در زمینه‌ی تضادهای ذی‌نفعان، بخشی از فعّالیّت‌های دولت‌ها و سازمان‌های متولّی محیط زیست است. به همین منظور برنامه‌ریزی فضایی[5]، مطالعات ارزیابی و برآورد زیست‌محیطی به‌خصوص رهیافت ارزیابی اثرات اجتماعی، به‌طور معناداری در این حوزه توسعه یافته و به ابزاری کلیدی در تصمیم‌گیری زیست‌محیطی در سطح ملّی و بین‌المللی برای تحلیل اثرات از دیدگاه ذی‌نفعان، گروه‌ها و مخاطبان متفاوت از نظر اجتماعی، جنسیّت و نگرش تبدیل شده است (سارینن، ۲۰۱۰). به همین دلیل از این رهیافت انتظار می‌رود با میانجی‌گری در تعارضات زیست‌محیطی، مخاطبان را به هم پیوند دهد و ارزش‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی به‌طور چندجانبه، بررسی و ارزشیابی کند (بارو، ۲۰۱۰). بنابراین آشنایی با نگرش و ارزیابی آنان از طرح‌ها و پروژه‌های محیطی بسیار مهم است. شناخت بهتر و دقیق‌تر روش‌های

[1] Dong et al
[2] Sunderlin
[3] Slee
[4] Plummer and FitzGibbon
[5] Spatial Planning

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

کشاورزان و جامعه‌ی روستایی درباره‌ی بهره‌برداری از منابع طبیعیِ در اختیارشان، مبنایی برای توسعه و به‌کارگیری راهبردهای مدیریّت پایدار در درازمدّت در سطح محلّی و منطقه‌ای است (دولیسکا و همکاران، ۲۰۰۷).

بنا بر آن چه گفته شد، یکی از عناصر کلیدی در مفهوم ارزیابی اثرات اجتماعی، تحلیل اثرات از دیدگاه ذی‌نفعان، گروه‌ها و مخاطبان متفاوت از نظر اجتماعی، سن، نگرش و اخلاق است که به‌عنوان رهیافتی تکثّرگرا[۱]، از دیدگاه و فضای اجتماعی و فرهنگی متکثّر و متنوّع حمایت می‌کند. هم‌چنین به‌عنوان رهیافت عمل‌گرا[۲]، راهی مناسب برای پیوند تئوری‌های اجتماعی و تحقیقات تجربی است (سارینن و کامپولینن، ۲۰۰۶). میانجی‌گری زیست‌محیطی[۳] در پی گره‌گشایی در مشاجرات[۴] اجتماعی و کنار گذاشتن موضوعات فرعی[۵] در میان تعارضات و تضادها، ایجاد اجماع[۶] اجماع[۶] و وفاق عمومی و هموار کردن مسیر طرح‌های توسعه‌ای است (سارینن، ۲۰۱۰). بنابراین، به سبب ارتباط مستقیم طرح‌های توسعه با ابعاد اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی و برای کاهش پیامدهای اجتماعی، ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی ضروری است (ممتاز، ۲۰۰۵). اهمّیّت این مسأله به دلیل مسائل فنّی، قانونی و حقوقی مرتبط با نظام مالکیّت اراضی و نقش تعیین‌کننده‌ی مردم ساکن در این زیست‌بوم‌ها در موفّقیّت پروژه‌های در دست اجرا، دو چندان است.

مدل مفهومی اِتا در طرح‌های مدیریّت منابع طبیعی

مداخله‌گری‌های توسعه، با تغییرات اجتماعی به‌طور مستقیم و تغییرات زیستی- فیزیکی به‌طور غیرمستقیم، اثرات انسانی در سطح جامعه بر جا می‌گذارند و سبب تغییرات اجتماعی و بیوفیزیکی ثانویّه می‌شوند (اسلووگ و همکارن[۷]، ۲۰۰۱). فرایندهای تغییر اجتماعی و تغییرات بیوفیزیکی که به‌طور مستقیم از مداخلات نشأت می‌گیرند، «تغییرات درجه‌ی اوّل» نامیده می‌شوند که می‌توانند «تغییرات درجه‌ی دوم یا چندم» ایجاد نمایند؛ به‌عنوان نمونه، اسکان مجدّد می‌تواند به فرایندهای مهاجرت از روستا به شهر و تغییر در وضعیّت تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی بینجامد.

[1] Pluralistic Approach
[2] Pragmatic Approach
[3] Environmental mediation
[4] Disputes
[5] Episodes
[6] Consensus building
[7] Slootweg et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

به‌علاوه، تجربه‌ی اجتماعی تغییر (یعنی پیامدهای انسانی) نیز می‌تواند مردم را وادار کند تا رفتارهای دیگری در پیش گیرند که خود به فرایندهای تغییر اجتماعی بیش‌تری منتهی می‌شود؛ برای مثال، پیامدهای بیکاری می‌تواند فرایند تغییر اجتماعی مهاجرت از روستا به شهر برای یافتن کار را در پی داشته باشد و مهاجرت نیز به سهم خود موجب تغییرات اجتماعی دیگر مانند حاشیه‌نشینی، انزوای اجتماعی، فقر و فساد شود.

فرایندهای تغییر اجتماعی حتّی تغییرات زیستی ـ فیزیکی نیز ایجاد می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، طرح‌های توسعه‌ی اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) می‌تواند تأثیری جدّی بر تغییر کاربری زمین و کیفیّت منابع آب منطقه‌ی تحت‌تأثیر پروژه داشته باشد. افزایش مصرف آب در بخش گردشگری و کاهش آن در بخش کشاورزی، موجب کاهش تولیدات کشاورزی و در نتیجه کاهش سطح درآمد برخی کشاورزان می‌شود و این تغییر به سهم خود پیامدهای انسانی غیرمستقیمی مانند مهاجرت و تغییر شغل را در پی دارد (شوتن و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از موضوعات مهم در مدل تأثیرات اجتماعی‌ـ انسانی، تفاوت تغییرات و تأثیرات اجتماعی است. تغییرات ناظر بر وجوهی عینی است که به‌واسطه‌ی آن‌ها، محیط طبیعی و اجتماعی زندگی تغییر می‌کند. این تغییرات ممکن است هیچ ادراک جدیدی برای ذی‌نفعان پروژه‌ی مداخله‌گری ایجاد نکند و موجد هیچ تأثیری نباشد. امّا تأثیرات شامل ادرکات، تمایلات، شیوه‌ها و فرصت‌های متفاوت ایجاد شده در زندگی افراد است که خود نیز می‌تواند سبب دور جدیدی از تغییرات در محیط اجتماعی شود. بنابراین، هر تغییری ایجاد کننده‌ی تأثیر اجتماعی نیست. از این رو، آن دسته از اقدامات توسعه‌ای که تصوّر می‌شود مسبّب تأثیرات اجتماعی باشند، بیش‌تر مورد توجّه اِتا هستند (فاضلی، ۱۳۸۹). در واقع، بسیاری از شاخص‌ها و برون‌دادهای بلافصل سیاست‌گذاری‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، تنها تغییرات اجتماعی هستند و نمی‌توان آن‌ها را اثرات اجتماعی قلمداد کرد، بلکه برهم‌کنش تغییرات با زمینه‌ها و شرایط طبیعی و انسانی، موجب ایجاد اثرات اجتماعی می‌گردد. این شرایط و زمینه‌ها «فیلتر» نامیده می‌شوند و شامل دو گروه فیلترهای اجتماعی و چشم‌انداز هستند. فیلترهای اجتماعی، شرایط و ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای ذی‌نفعان پروژه یا برنامه‌ی توسعه مانند سن، جنسیّت و پایگاه اجتماعی است و فیلتر چشم‌انداز نیز با شرایط اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی اجرای پروژه ارتباط دارد (ونکلی، ۲۰۰۲).

طرح‌های توسعه‌ی منابع طبیعی (مانند جنگل‌کاری و جنگل‌داری، مرتع‌داری، بیابان‌زدایی، آبخیزداری و آبخوانداری، کاشت و بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگلی و مرتعی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

آبزی‌پروری) موجب ایجاد تغییرات اجتماعی مانند اشتغال و افزایش درآمد و تغییرات بیوفیزیکی مانند کاهش فرسایش خاک و ارتقای شاخص‌های زیست‌محیطی می‌شوند. تغییرات اجتماعی نظیر افزایش درآمد باعث تغییرات درجه‌ی دوم مانند افزایش سرمایه‌گذاری بهره‌برداران در طرح‌های مذکور و در نتیجه تغییرات بیوفیزیکی می‌شوند. البتّه همان‌گونه که گفته شد، اثرات این مداخله‌گری‌ها بر همه‌ی ذی‌نفعان به یک اندازه نیست و تغییرات با عبور از فیلترهای محیط طبیعی و انسانی، تأثیرات مختلفی به‌وجود می‌آورند. بنابراین، با توجّه به وجود فیلترهای اجتماعی و طبیعی (چشم‌انداز)، افراد و گروه‌های مختلف به یک اندازه از تغییرات اثرپذیر نیستند و شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز منابع طبیعی و فیزیکیِ در اختیارشان، در میزان اثرپذیری آنان نقش دارد؛ به‌عنوان نمونه، در صورت احداث سازه‌های آبخیزداری و آبخوانداری در مناطق روستایی، منابع آب حاصل از آن برای همه‌ی کشاورزان به یک میزان تأمین نمی‌شود و قطعاً کشاورزانی که اراضی کشاورزی آن‌ها به پروژه‌های اجرا شده نزدیک‌تر است، اثرات مثبت بیش‌تری دریافت می‌کنند. برعکس، در صورت وقوع پدیده‌ی خشکسالی به‌عنوان یک تغییر بیوفیزیکی و اجتماعی، کشاورزانی که منابع آب کم‌تری در اختیار دارند و فاقد مشاغل جانبی هستند، دچار خسارت بیش‌تری می‌شوند و با اثرات بیوفیزیکی مانند شور و لم‌یزرع شدن اراضی و اثرات انسانی مانند مهاجرت، فقر، کاهش درآمد و سایر آسیب‌های انسانی و اجتماعی در سطح وسیع‌تری روبه‌رو می‌گردند. در نهایت مداخله‌گری‌های توسعه‌ی منابع طبیعی، با عبور از فیلترهای دوگانه موجب ایجاد سطوح مختلفی از اثرات بر کیفیّت زندگی، سرمایه‌های اجتماعی، توسعه‌ی کشاورزی و رشد اقتصاد روستایی ذی‌نفعان می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

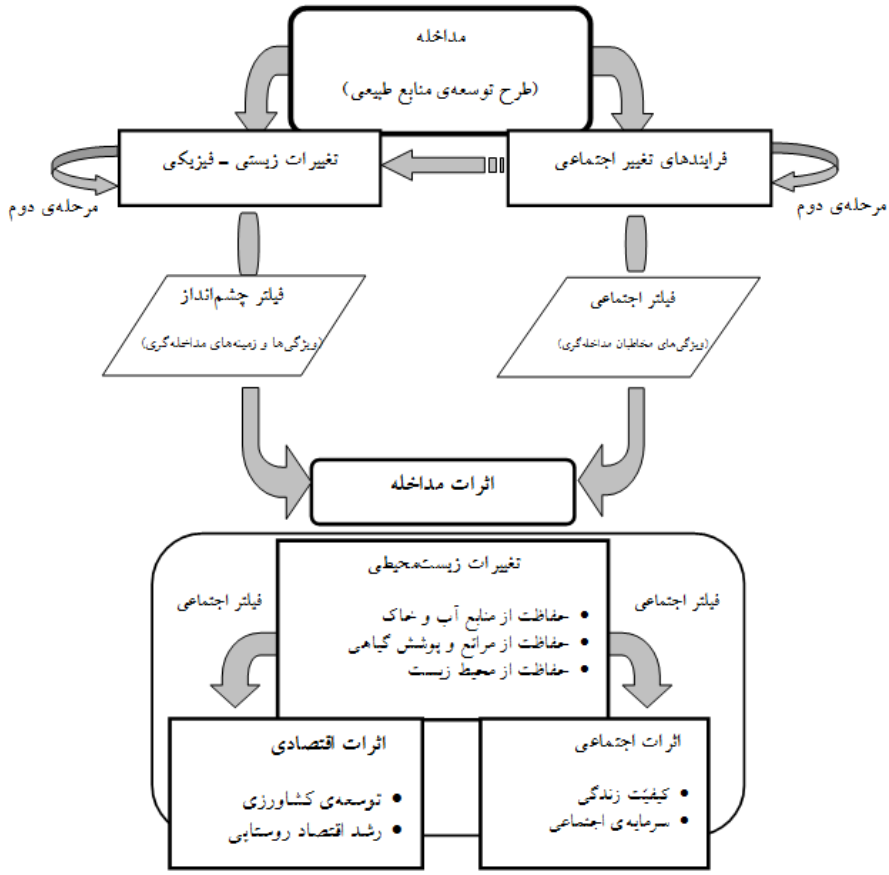

مدل مفهومی ارزیابی اثرات طرح‌های مدیریّت منابع طبیعی

(مأخذ: احمدوند و همکاران، ۲۰۱۱؛ ونکلی، ۲۰۰۲)

رابطه‌ی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی

اِتا فرایندی است که با ارزیابی آثار محیطی ارتباط دارد و هدف آن آگاهی سیاست‌گذاران از آثار بالقوّه‌ی مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌ها و پروژه‌های توسعه است. در زمینه‌ی رابطه‌ی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی ایده‌های گوناگونی وجود دارد. برخی، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را مادر همه‌ی ارزیابی‌ها و ارزیابی اثرات اجتماعی را زیرمجموعه می‌دانند و جایگاهی مستقل برای آن قائل نیستند. در این دیدگاه، ارزیابی اثرات اجتماعی بخشی جدایی‌ناپذیر از رهیافت جامع ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است که با هدف تمرکز و یکپارچگی مفاهیم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

اقتصادی و اجتماعی برنامه‌های توسعه بر روی زندگی، اقتصاد، فرهنگ و ماهیّت وجودی جوامع ذی‌نفع و میزبان برنامه اجرا می‌شود (سارینن و کامپولینن، ۲۰۰۶؛ اکینبیل[1]، ۲۰۰۷). در مقابل، برخی متخصّصان این نوع نگاه به اِتا را به دلیل درک نادرست از منشأ اثرات می‌دانند که بر مبنای آن، تصور می‌شود اثرات اجتماعی لزوماً نتیجه‌ی اثرات زیست‌محیطی است (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶). در برخی کشورها، ارزیابی اثرات سلامت، ارزیابی اثرات اجتماعی و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی ادغام می‌گردند. به‌طور کلّی به سبب ارتباط نزدیک و پیچیده‌ی اثرات سیاست‌ها و مداخلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بر محیط انسانی و فیزیکی، بهتر است از ادغام این فرایندها استفاده شود.

در مجموع، این موضوع که رهیافت ارزیابی اثرات اجتماعی در تلفیق با ارزیابی اثرات زیست‌محیطی یا به صورت رهیافتی مستقل به‌کار گرفته شود و نیز این موضوع که برنامه‌ریزان از مشارکت‌گرایی و فرایندمحوری جانبداری کنند یا به فن‌سالاری روی آورند، ممکن است به بحثی گمراه‌کننده در میان نظریّه‌پردازان ارزیابی اثرات تبدیل شود. به عقیده‌ی برخی محقّقان، وجود دیدگاه‌های مختلف و ادراک متفاوت از پروژه در میان ذی‌نفعان، توجّه به روش‌های تصمیم‌گیری فرایندمحور به جای روش‌های نتیجه‌گرا را ضروری‌تر کرده است (هومز و همکاران، ۲۰۰۹). برای فائق آمدن بر این موضوع در بسیاری از کشورها مانند کانادا، استرالیا، زلاندنو و آمریکا، فاصله‌ی مشخّصی میان ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی وجود ندارد و در برنامه‌های ارزیابی، طیف وسیعی از متخصّصان رشته‌های گوناگون علمی با روش‌های متفاوت، فعّالیّت می‌کنند (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶).

موانع ارزیابی اثرات اجتماعی

مشکلات بسیاری در زمینه‌ی روش‌شناسی ارزیابی اثرات مانند چگونگی اندازه‌گیری اثرات و دست‌یابی به تعادل میان هزینه‌ها و انتخاب سطح ارزیابی وجود دارد و زمان و منابع مالی کافی برای جمع‌آوری دقیق و کامل داده‌های اوّلیّه برای ارزیابی موجود نیست. از دیگر انتقادها به ارزیابی اثرات، ناکافی بودن شواهد و اطّلاعات موجود درباره‌ی بسیاری از تعیین‌کننده‌های اثرات و ناآگاهی از فرایند ارزیابی است. روش‌های جمع‌آوری و تحلیل شواهد نیز به اندازه‌ای دقیق نیستند که بتوانند در برابر چالش‌های موجود و انتظارات متنوّع ذی‌نفعان، پاسخ‌گو باشند. به‌طور کلّی در اِتا معمولاً

[1] Akinbile

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

جزئیّات آثار طرح‌های توسعه، به وضوح تشریح نمی‌شود. این نواقص، نقطه‌ی قوّت پیشنهادها را هم در قطعیّت اثرات و هم در اندازه‌ی تأثیر محدود می‌کند (فورسیت و همکاران[1]، ۲۰۱۰). امّا علی‌رغم ماهیّت ناتمام این فرایند، بسیاری از مراجع تصمیم‌گیر به‌ویژه در کشورهای دارای ساختار سیاسی و اجتماعی توسعه‌یافته، ارزیابی اثرات اجتماعی را در راهبردهای توسعه‌ی خود وارد کرده‌اند تا به‌طور مشخّص از مردم در برابر عواقب و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده‌ی اقدامات توسعه‌ای، حمایت کنند.

اثرات سیاست‌ها و طرح‌ها با مدل‌های مختلفی ارزیابی می‌شوند و این مدل‌ها از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند. چک‌لیست، روش مورد استفاده در بیش‌تر مدل‌هاست. در این روش تعیین‌کننده‌های خاصّی به‌عنوان نشانگرهای تغییر در وضعیّت توسعه مورد توجّه است؛ برای مثال، سطح اشتغال به‌عنوان نشانه‌ای از اثرات طرح توسعه بر جامعه در نظر گرفته می‌شود. البتّه ارزیابی یک سیاست، برنامه یا پروژه صرفاً از طریق چک‌لیست، ارزیابی جامعی نیست. یکی از مشکلات این روش، مسیرهای علّی پیچیده‌ای است که میان یک سیاست توسعه و پیامدهای آن وجود دارد و ترسیم دقیق این مسیرها و تعیین برهم‌کنش آن‌ها را مشکل می‌کند. از چک‌لیست بیش‌تر در مرحله‌ی غربال‌گری فرایند ارزیابی اثرات می‌توان استفاده کرد. این کار ممکن است به‌وسیله‌ی یک نفر یا گروهی از مردم و متخصّصان که معمولاً اطّلاعاتی درباره‌ی پروژه، جمعیّت، وضعیّت اجتماعی، وضعیّت سلامت، بخش‌های آسیب‌پذیر جمعیّت و محیط فعلی آن‌ها دارند، انجام شود. در مراحل بعدی ارزیابی، بهتر است که از روش و ابزارهای کمّی و کیفی مختلف استفاده شود تا در نهایت، ارزیابی نسبتاً جامعی به‌دست آید (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۲).

در زمینه‌ی توسعه‌ی مشارکت مردمی در ارزیابی اثرات نیز موانع فراوانی وجود دارد. مردم مناطق میزبان پروژه‌ها، تجربه‌های مختلف و متفاوتی از مشارکت در اِتا دارند. مشارکت در مواردی خالص و واقعی[2] و در مواردی نیز ساختگی[3] است و هزینه‌های مختلفی بر پروژه و جامعه‌ی میزبان تحمیل می‌کند (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶). در برخی موارد مردم به‌طور کامل از طرّاحی، اجرا و نظارت کنار گذاشته می‌شوند و در عمل قادر به مشارکت مؤثّر در ارزیابی نیستند و تأثیری در نتایج آن نیز ندارند. این وضعیّت ممکن است به سبب کمبود وقت و نداشتن زمان کافی برای ارزیابی پروژه‌ها باشد؛ به‌ویژه آن که اعمال نظر مردم بومی در تصمیم‌گیری‌ها نیازمند زمان نسبتاً طولانی

[1] Forsyth et al
[2] Genuine
[3] Manipulation

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

است و این گروه‌ها اغلب به علّت فقدان منابع مالی و اطّلاعات فنّی و مهارت‌های لازم، نمی‌توانند مشارکت مؤثّری داشته باشند (طالبیان و عمرانی‌مجد، ۱۳۸۶). امّا مسأله‌ی مهم‌تر، میزان نهادینه بودن مشارکت در نظام برنامه‌ریزی کشورهاست. در کشورهایی که فرهنگ مشارکت وجود ندارد، مفهوم جامعه‌ی مدنی[1] موضوعی تنش‌زاست و عموم شهروندان در زمینه‌ی نحوه‌ی دست‌یابی به حقوق فردی و اجتماعی خود، آموزش ندیده‌اند (پیسانی و ساندام، ۲۰۰۶). بنابراین، در چنین جوامعی اِتا به شکل صوری و در حدّ تشریفاتی راکد و بی‌خاصیّت است که تنها یک دسته نیازهای اوّلیّه را برآورده می‌سازد (ممتاز، ۲۰۰۵). به‌علاوه، محیط زیست اجتماعی و طبیعی با هم متفاوتند و در محیط اجتماعی، کنش‌گران به تغییرات واکنش نشان می‌دهند؛ آن‌ها را به روش‌های گوناگون تفسیر می‌نمایند و به‌طور منطقی در بخشی از فرایند برنامه‌ریزی، تغییر ایجاد می‌کنند. شاید به سبب همین پیچیدگی رفتار در گروه‌های مختلف محلّی است که تصمیم‌گیران پروژه، مشارکت مردمی در ارزیابی اثرات اجتماعی را به‌آسانی نمی‌پذیرند (صنایع گلدوز، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

سیاست‌ها و طرح‌های توسعه در بسیاری از موقعیّت‌ها، تأمین‌کننده‌ی نیاز مردم نیست و گروه‌های میزبان و هم‌جوار با طرح‌ها، از دسترسی به منافع آن‌ها محروم می‌مانند. امّا در مقابل، سرمایه‌داران بیرونی حقوق انحصاری در این زمینه می‌یابند و این امر، روند آسیب‌پذیری بهره‌برداران محلّی را تشدید می‌کند. این روند ناپایدار به سبب قدرت اثرگذاری محدود و امکان مشارکت ضعیف گروه‌های آسیب‌پذیر در تنظیم و اجرای سیاست‌های توسعه است. از این رو، پایداری اجتماعی (مشارکت و عدالت) و سیاسی (قانون، برنامه و سازمان) ابعاد مهمّی هستند که در فرایند توسعه باید مدّ نظر قرار گیرند (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴).

توجّه به ارزیابی اثرات محیطی و اجتماعی به‌طور گسترده مورد نیاز کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا به علّت توسعه‌نیافتگی اقتصادی و نبودِ زیرساخت‌های مناسب علمی و فنّی، طرح‌های توسعه در این کشورها تأثیر منفی فراوانی بر تنوّع زیستی و محیط زیست می‌گذارند. درس‌های آموخته‌شده از ارزیابی اثرات محیطی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته، می‌تواند با شرایط کشورهای در حال توسعه، مطابقت داده شود. بنابراین اِتا برای علاقه‌مندان به مسائل اجتماعی و انسانی توسعه، رویکردی جذّاب در برنامه‌ریزی است و اطّلاعات ارزشمندی درباره‌ی اثرات مورد

[1] Civil society

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

انتظار مدیریّت توسعه بر بخش‌های عمومی و خصوصی فراهم می‌آورد. از این اطّلاعات می‌توان برای حمایت از حقوق مدنی یا به‌عنوان انتقال دانش از تولیدکنندگان اطّلاعات به تصمیم‌گیرندگان استفاده کرد. هم‌چنین، این فرایند وسیله‌ای برای بهبود دسترسی مردم به سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها، افزایش همکاری بین بخشی، افزایش استفاده‌ی درست از سرمایه‌ها و منابع عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و کاهش ضریب آسیب‌پذیری جوامع میزبان طرح‌های توسعه است. بنابراین برانگیختن گروه‌های ذی‌نفع برای ارائه‌ی تفسیرهای خود از مسائلشان و نیز فراهم کردن زمینه و روشی که از خلال آن امکان درک، نقد، محاسبه و تفاسیر متفاوت ادّعاها، علایق و مسائل متنوّع وجود داشته باشد، از اهداف و مزایای این رهیافت است. به‌علاوه، ذی‌نفعان در خلال آن می‌توانند براساس نیازها و علایق خود، فرایند ارزیابی را کنترل و مدیریّت نمایند و بر اساس یافته‌های ارزیابی، کیفیّت و شرایط اجرای طرح توسعه را بازتعریف کنند. در چنین فضای فکری، در نظر گرفتن ارزش‌های متکثّر اساسی‌ترین موضوعی است که باید به آن توجّه کرد. ارزیابی اثرات اجتماعی جریانی پویا امّا توان‌فرسا و نیازمند صبوری، صداقت و احساس توافق‌جویی است تا بتواند ذی‌نفعان و مخاطبان پروژه را به یکدیگر نزدیک کند تا با هم کار کنند و به انسان‌هایی متفکّر و خلّاق تبدیل شوند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

منابع

۱. اشرفی، یوسف و رشیدی، طلا (۱۳۹۲) «ارزیابی تأثیر اجتماعی (اتا) پروژه‌های شهری، نمونه‌ی موردی: پارک کودک ظفر گلچین در منطقه‌ی ۱۰ شهرداری تهران»، **فصلنامه‌ی مدیریّت شهری**، شماره‌ی ۳۱، صص ۲۹۵-۳۱۵.

۲. پژوهشکده‌ی حمل و نقل (۱۳۸۲) **بررسی عوامل مؤثّر در ارزیابی و توجیه فنّی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌های راه و راه آهن**، تهران: وزارت راه و ترابری، معاونت آموزش، تحقیقات و فناوری.

۳. روچ، کریس (۱۳۸۷) **ارزیابی تأثیر پروژه**، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: اختران.

۴. شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) «ابعـاد اجتماعی در مدیریّت جنگل»، **فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه**، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۳۷، صص ۱۹۳-۲۲۰.

۵. شجاعی، پریسا؛ ملک‌افضلی، حسین؛ کریملو، مسعود؛ سجّادی، حمیرا؛ ستاره‌فروزان، آمنه و محمّدی، فرحناز (۱۳۹۲) «مرور مدل‌های ارزیابی اثرات بر سلامت»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۷، صص ۷-۲۸.

۶. شریف‌زادگان، محمّدحسین (۱۳۸۲) «چالش‌های برنامه‌ریزی در بررسی علل کاهش اثربخشی طرح‌های توسعه در ایران»، **فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۳ و ۴۴، صص ۱-۲۰.

۷. شوتن، مارلیس؛ ونکلی، فرنک و اسلوتوگ، رول (۱۳۸۸) «مفهوم‌پردازی فرایند تغییر اجتماعی و پیامدهای اجتماعی»، **راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی**، ویراستاران: هنک بکر و فرنک ونکلی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: جامعه‌شناسان.

۸. صنایع گلدوز، ساناز (۱۳۸۷) «ارزیابی اثرات اجتماعی»، **فصلنامه‌ی محیط و توسعه**، سال اوّل، شماره‌ی ۲، صص ۳۵-۴۲.

۹. صیّاد طلایی، حسن و حسن‌پور، اسماعیل (۱۳۸۵) «مدیریّت بر ذی‌نفعان سازمانی و چگونگی کسب رضایت آنان»، **فصلنامه‌ی مدیریّت فردا**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶، صص ۲۳-۲۸.

۱۰. طالبیان، سیّد امیر و عمرانی‌مجد، عبدالله (۱۳۸۶) «ارزیابی تأثیرات اجتماعی صنعت نفت و گاز»، **فصلنامه‌ی مدیریّت منابع انسانی در صنعت نفت**، سال اوّل، شماره‌ی ۱، صص ۱۰۲-۱۲۲.

۱۱. طالبیان، سیّد امیر؛ فاضلی، محمّد و دغاقله، عقیل (۱۳۸۷) «تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه‌ی صنعتی منطقه‌ی عسلویه»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۳۳، صص ۵۵-۷۵.

۱۲. فائو (۱۳۸۷) **طرح‌های جنگل‌داری اثرات ـ ارزیابی اقتصادی**، ترجمه‌ی ارسطو سعید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

۱۳. فاستر، ریچارد، اچ. و مکبث، مارک. کی (۱۳۸۱) «نقش ساکنان نواحی روستایی و شهری در تعیین راهکارهای توسعه‌ی اقتصادی و زیست‌محیطی»، ترجمه‌ی علی خورشیددوست، **رشد آموزش جغرافیا**، سال هفدهم، شماره‌ی ۶۱، صص ۸-۱۹.

۱۴. فاضلی، محمّد (۱۳۸۹) **ارزیابی تأثیرات اجتماعی**، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۵. لویزه، فرشاد (۱۳۸۱) «مقدّمه‌ای بر ضرورت و اصول ارزیابی اثرات زیست‌محیطی»، **نشریّه‌ی صلح سبز**، شماره‌ی ۸، صص ۳۰-۳۵.

۱۶. نجفی، غلامعلی و زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۴) «مسائل پایداری کشاورزی در ایران»، **فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی ایران**، سال ششم، شماره‌ی ۲، صص ۷۳-۱۰۶.

۱۷. ویسی، هومان و لیاقتی، هادی (۱۳۸۷) «جایگاه مشارکت مردمی در فرایند ارزیابی آثار محیط زیستی»، **فصلنامه‌ی محیط و توسعه**، سال اوّل، شماره‌ی ۲، صص ۷۵-۸۲.

18. Ahmadvand, M., Karami, E. & Iman, M.T. (2011). Modeling the determinants of the social impacts of agricultural development projects. **Environmental Impact Assessment Review**, 31(1):8-16.

19. Ahmadvand, M. & Karami, E. (2009). A social impact assessment of the floodwater spreading project on the Gareh-Bygone plain in Iran: A causal comparative approach. **Environmental Impact Assessment Review**, 29(2): 126-136.

20. Ahmadvand, M. Karami, E., Zamani, G.H. & Vanclay, F. (2009). Evaluating the use of social impact assessment in the context of agricultural development projects in Iran. **Environmental Impact Assessment Review**, 29(6):399- 407.

21. Akinbile, L.A. (2007). Social impact assessment of limestone exploitation in Yewa North Location Government Area of Ogun State, Nigeria. **Pakistan Journal of Social Sciences**, 4(1):107-111.

22. Asselin, J. & Parkins, J.R. (2009). Comparative case study as social impact assessment: Possibilities and limitations for anticipating social change in the Far North. **Social Indicators Research**, 94(3):483-497.

23. Barrow, C.J. (2010). How is environmental conflict addressed by SIA? **Environmental Impact Assessment Review**, 30(5):293–301.

24. Becker, D.R., Harris, C.C., McLaughlin, W.J. & Nielsen, E.A. (2003). A participatory approach to social impact assessment: The interactive community forum. **Environmental Impact Assessment Review**, 23(3):367-382.

25. Dong, S., Lassoie, J., Shrestha, K.K., Yan, Z., Sharma E. & Pariya, D. (2009). Institutional development for sustainable rangeland resource and ecosystem management in mountainous areas of northern Nepal. **Journal of Environmental Management**, 90(2): 994–1003.

26. Forsyth, A., Slotterback, CS. & Krizek, K. (2010). Health impact assessment (HIA) for planners; what tools are useful? **Journal of Planning Literature**, 24(3):231-245.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

27. Haro, G.O., Doyo, G.J. & Mcpeak, J.G. (2005). Linkages between community, environmental and conflict management: Experiences from Northern Kenya. **World Development**, 33(2):285-299.
28. Hommes, S., Hulscher, S.J.M.H., Mulder, J.P.M., Otter, H.S. & Bressers, H.T.A. (2009). Role of perceptions and knowledge in the impact assessment for the extension of mainport Rotterdam. **Marine Policy**, 33(1):146-155.
29. Karami, E. & Rezaei-Moghaddam, K. (2005). Modeling determinants of agricultural production cooperatives' performance in Iran. **Agricultural Economics**, 33(3):305-314.
30. Lockie, S., Franettovich, M., Petkova-Timmer, V., Rolfe, J. & Ivanova, G. (2009). Coal mining and the resource community cycle: A longitudinal assessment of the social impacts of the Coppabella coal mine. **Environmental Impact Assessment Review**, 29(5): 330-339.
31. Momtaz, S. (2005). Institutionalizing social impact assessment in Bangladesh resource management: Limitations and opportunities. **Environmental Impact Assessment Review**, 25(1):33-45.
32. Nykvist, B. & Nilsson, M. (2009). Are impact assessment procedures actually promoting sustainable development? Institutional perspectives on barriers and opportunities found in the Swedish committee system. **Environmental Impact Assessment Review**, 29(1):15-24.
33. O'Faircheallaigh, C. (2010). Public participation and environmental impact assessment: purposes, implications, and lessons for public policy making. **Environmental Impact Assessment Review**, 30(1):19-27.
34. Pisani, J.A.du. & Sandham, L.A. (2006). Assessing the performance of SIA in the EIA context: A case study of South Africa. **Environmental Impact Assessment Review**, 26(8): 707-724.
35. Plummer, R. & FitzGibbon, J. (2006). People matter: The importance of social capital in the co-management of natural resources. **Natural Resource Forum**, 30(1):51-62.
36. Sairinen, R., Barrow, C. & Karjalainen, T.P. (2010). Environmental conflict mediation and social impact assessment: Approaches for enhanced environmental governance? **Environmental Impact Assessment Review**, 30(5):289-292.
37. Sairinen, R. & Kumpulainen, S. (2006). Assessing social impacts in urban waterfront regeneration. **Environmental Impact Assessment Review**, 26(1):120-135.
38. Scott-Samuel, A., Birley, M. & Ardern, K. (2001). The Merseyside guidelines for health impact assessment, Second Edition, International Health Impact Assessment Consortium, retrieved from: **http://www.ihia.org.uk**
39. Slee, B. (2007). Social indicators of multifunctional rural land use: The case of forestry in the UK. **Agriculture, Ecosystems, Environment**, 120(1):31-40.
40. Slootweg, R., Vanclay, F. & Schooten, M. (2001). Function evaluation as a framework for the integration of social and environmental impact assessment. **Impact Assessment and Project Appraisal**, 19(1):19-28.
41. Sunderlin, W.D. (2006). Poverty alleviation through community forestry in Cambodia, Laos, and Vietnam: An assessment of the potential. **Forest Policy and Economics**, 8(4):386–396.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]

42. Tang, B., Wong, S. & Lau, M.C. (2008). Social impact assessment and public participation in China: A case study of land requisition in Guangzhou. **Environmental Impact Assessment Review**, 28(1):57-72.
43. Vanclay, F. (2002). Conceptualising social impacts. **Environmental Impact Assessment Review**, 22(3):183-211.
44. Vanclay, F. (2003). International principles for social impact assessment. **Impact Assessment and Project Appraisal**, 21(1):5-11.
45. Vanclay, F. (2004). The trible bottom and impact assessment: how do TBL, EIA, SIA, SEA and EMS Relate to each other? **Journal of Environmental Policy and Managemen***t*, 6(3):265-288.
46. Vanclay, F. (2006). Principles for social impact assessment: A critical comparison between the international and US documents. **Environmental Impact Assessment Review**, 26(1):3-14.
47. Yang, J.C. (2005). Impact measurement for public investments evaluation an application to Korea. **Journal of Policy Modeling**, 27(5):535-551.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-09-13]